

Investigation of the elements and fundamental concepts of sustainability in the poetry of the February 14 Movement in Bahrain: A case study of the collection of “Nazeef Al-Samood” by Al-Sayyed Zaki Al-Yasri

Nasrin Abbasi *, Ph.D in Arabic language and literature, Bu Ali Sina University¹.

Mohammad Jafarnoudeh, Bachelor of Social Communication Sciences, Golestan University².

Farzaneh Mahmoudi, master's degree in Arabic language and literature, Boali Sina³.

(Received: ; Accepted:

Abstract

Resistance in its literal meaning refers to the opposition of powers, and in its terminology, it refers to steadfastness and fighting against the tyranny of oppressors and preventing displacement from one's land. Literature of resistance or sustainability is a collection of poetic and prose works that speak of the ugliness of internal atrocities or external invasions and follow a specific semantic structure. Among the works that fall under this extensive literary genre are the poems and lyrics of the February 14 uprising in Bahrain. In these works, poets fully adhere to the unique structure of sustainability poetry and, at the same time, discuss their literary expression of domestic and foreign political and social issues, encompassing all the main concepts of sustainability literature. These concepts include: calling for struggle, depicting the face of tyranny, praising freedom and liberty, representing bright horizons of victory, reflecting the desperation of the people, and commemorating the martyrs of freedom. The language of the poems is simple, fluent, and free from complexity, symbolism, and cryptic language. This research aims to analyze and explore the fundamental themes and hidden meanings of words and sustainability concepts in the collection of poems by Al-Sayyed Zaki Al-Yasri using a descriptive-analytical method.

Keywords: Sustainability Literature, Poetry, Bahrain, February 14 Movement, Al-Sayyed Zaki Al-Yasri.

1 . * Corresponding Author: nasrinabasi10@yahoo.com

2 - jafarnodeh@gmail.com

³-mahmoodifarzaneh@ymail.com

بررسی عناصر و مفاهیم اساسی پایداری در شعر جنبش ۱۴ فوریه^۱ بحرين «بررسی موردی دیوان "نژیف الصمود"» اثر السید ذکری الیاسري

نسرين عباسی^{۱*}، دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه بوعلی سینا

محمد حافظوند^۲، کارشناس علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه گلستان

فرزانه محمودی^۳، کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، بوعلی سینا

چکیده

مقاومت در لغت به معنای رودروری قدرت‌ها، و در اصطلاح به معنای استقامت و مبارزه با سرکشی خاصیان و جلوگیری از آواره شدن از سرمیمین به کار می‌رود. ادبیات مقاومت یا پایداری، نیز مجموعه اشعار و نوشته‌ای ادبیانه‌ای است که از رشتی‌های فجایع بیداد داخلی یا تجاوز خارجی سخن می‌گوید و از ساختار معنایی خاصی پیروی می‌کند. از جمله آثاری که زیرمجموعه‌ای این نوع ادبی گستردگر قرار می‌گیرند، اشعار و سروده‌های خیزش ۱۴ فوریه‌ای مردم بحرین است. شاعران در این آثار به طور کامل ساختار خاص شعر پایداری را رعایت کرده و در خمن بیان ادبیانه‌اشان از مسائل سیاسی-اجتماعی داخل و خارج کشور، به کل مسائل و مفاهیم اصلی ادبیات پایداری می‌پردازند؛ از جمله این مفاهیم می‌توان به: دعوت به مبارزه، ترسیم چهره‌ای بیدادگر، ستایش آزادی و آزادگی، بازنمایی افق‌های روشن پیروزی، انعکاس مظلومت مردم، و بزرگداشت شهدای راه آزادی اشاره کرد. زبان اشعار ساده و روان و به دور از پیچیدگی^۶ و کاربست رمز و نماد است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و با هدف بررسی مضامین دیوان سید ذکری الیاسري و پرداختن به تحلیل و کشف معانی اصولی و محتوای پنهان واژه‌ها و مضامین پایداری است.

کلمات کلیدی: ادبیات پایداری، شعر، بحرین، جنبش ۱۴ فوریه، سید ذکری یاسري.

۱. * نویسنده مسئول: nasrinabasi10@yahoo.com

۲. jafarnodeh@gmail.com

۳. mahmoodifarzaneh@ymail.com

۱- مقدمه

ادبیات پایداری و مقاومت گونه‌ای ادبی است که شاعران و نویسنده‌گان متعهد آن را با قلم زیبای خود در وصف پایداری‌ها و مبارزات مردمان انقلابی و دلیر خلق می‌کنند. غالی شکری در تعریف این نوع ادبی اینگونه می‌نویسد که: ادبیات مقاومت به مجموعه آثاری گفته می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی، در همه‌ی حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادبیانه سخن می‌گوید (شکری، ۱۹۷۹: ۱۰-۱۱). خلق این ادبیات یا قبل از وقوع مبارزه، یا در حین تظاهرات، و یا بعد از اتمام مبارزات و برقراری صلح و آرامش، و یا اینکه در طی هر سه مرحله انجام می‌پذیرد؛ چنانکه ادبیات پایداری جنبش ۱۴ فوریه بحرین به منظور تقویت روحیه مبارزان و همچنین روشنگری اذهان جهانی، در خلال و إثاء وقوع تظاهرات شکل گرفته است و چه بسا تا بعد از پیروزی نیز ادامه یابد. اعتراضات و پایداری مردم بحرین به طور رسمی از روز ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ و تنها سه روز بعد از سقوط حسنه مبارک مصری آغاز شد و بعد از گذشت یک هفته از تظاهرات مسالمت آمیز در پی شهادت چند نفر، با تحصن در میدان اللؤلؤ منامه، گسترش یافت و با آشکار شدن ظلم واستبداد خاندان آل خلیفه، روز به روز چهره جدی‌تری به خود گرفت، و تاکنون صدھا سرود و ترانه و شعر با موضوع خیزش و انقلاب بحرین سروده و در پایگاه‌های مختلف اینترنتی منتشر شده است. نگارنده‌گان در این پژوهش یا روش توصیفی- تحلیلی به دنبال بررسی جلوه‌های پایداری در این اشعار هستند و برای این بررسی دیوان "نزیف الصمود" سید زکی یاسری به عنوان نمونه جامعه آماری انتخاب شده است. از این رو پژوهش پیش رو به دنبال پاسخ دادن به پرسش‌های زیر است.

۱- مهمترین مفاهیم پایداری در دیوان نزیف الصمود چیست؟

۲- زکی الیسری چه افق و آینده‌ای برای مقاومت بحرین و دیگر کشورهای اسلامی ترسیم کرده است؟

شایان ذکر است که اشعار السید زکی الیسری، در سایت با آدرس www.shuarabahrain.net.ms تا آوریل ۲۰۱۲، در دسترس بود؛ از آنجا که این پایگاه با نگاه علمی، هنری و انقلابی سایتی معتبر، منسجم و منظم بود و همچنین به عنوان سایت مادر و منبع و مرجع بسیاری از سایت‌ها و وبلاگ‌های ادبی حمایت- کننده‌ی اعتراضات به شمار می‌رفت، اشعارش تماماً در تاریخ ۲۰۱۲/۴/۱۱ کپی‌برداری و ذخیره شد و به عنوان جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر تعیین گردید. اما متأسفانه یک سال بعد از آن تاریخ و در مراجعه‌های بعدی معلوم شد که سایت توسط حامیان حکومت آل خلیفه هک و از فضای اینترنت حذف شده است، از این رو منبع اشعار مذکور پایان نامه خانم محمودی به راهنمایی دکتر طاهری نیا منتشر شده در دانشگاه بولنی سینا است

۲- هدف، بیان مسائل

کشور بحرین از ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ به جمع کشورهای انقلابی پیوسته است و ورقی جدید در بیداری جهان

اسلام رقم زد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و با هدف بررسی مضامین دیوان سید زکی الیسری، به تحلیل و کشف معانی اصولی و محتوای پنهان واژه‌ها و مضامین پایداری در کشور بحرین می‌پردازد

۱- پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه و سابقه پژوهش حاضر، لازم به ذکر است که در مورد ادبیات مقاومت و همچنین جلوه‌های پایداری در شعر و ادب، تا کنون مقالات و کتب فراوانی به رشتہ تحریر در آمده است اما با توجه به گذشت مدت زمان کوتاه از آغاز حرکت انقلابی بحرین، تا کنون در باب ادبیات پایداری ملت آن و یا در مورد آثار شاعر جوان عراقی "سید زکی یاسری نجفی" پژوهشی انجام نشده است. در واقع تنها پژوهش‌های انجام شده در باب شعر جنبش ۱۴ فوریه بحرین دو پایانمایه کارشناسی ارشد با عنوان "تحلیل محتوای کیفی اشعار جنبش ۱۴ فوریه بحرین" و "بررسی ویژگی‌های زبانی و معنایی شعر طنز انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱" به نگارش محمودی با راهنمایی دکتر علی باقر طاهری‌نیا و زهرا کوچکی‌نیت با راهنمایی دکتر میرزایی می‌باشد که بحث این دورساله نیز چیزی غیر از پایداری و مفاهیم و جلوه‌های منعکس شده آن در اشعار بوده و هیچگاه به طور مبسوط و مشروح به این مهم نپرداخته‌اند؛ لذا با توجه به اهمیت پایداری در تاریخ ملت‌ها، انجام پژوهش حاضر ضروری می‌نماید.

۲- پایداری در تاریخ ملت بحرین

بحرين کشوری است جزیره‌ای واقع در خلیج فارس، پایتخت آن منامه با حکومت پادشاهی، زبان رسمی‌اش عربی و استفاده از زبان‌های انگلیسی، فارسی و اردو هم در آن بسیار رایج است. در واقع این سرزمین، پیش از دوره ساسانیان و تقریباً از زمان حکومت هخامنشیان با احداث فخسین کانال سوئز و سیادت ناوگان ایرانی بر آب‌های خلیج فارس، جزء قلمرو ایران بوده است (اقبال، ۱۳۲۸: ۴۰)؛ چنانکه در سخنرانی مکتوب دکتر منصور الجمری-روزنامه‌نگار بحرینی مقیم لندن- تحت عنوان "التاريخ الحقيقى للبحرين" چنین آمده که: بحرین قبل از ظهور اسلام تحت حکم و سیطره ایرانیان ساسانی بوده است که با ظهور اسلام، از حکومت ساسانی وارد حکومت اسلامی می‌شود و سپس حکومت بنی امية و عباسیان و مدتی نیز به دست قرامطه تحت فرمان فاطمیون مصر می‌افتد، تا اینکه در زمان حکومت حاکمان مسلمان و ایرانی آل بویه، دوباره به خاک ایران باز می‌گردد (الجمري، ۲۰۱۱) پس از حکومت آل بویه همچنان فراز و فرودهای این سرزمین ادامه می‌یابد، تا اینکه در سال ۱۵۲۲م یعنی اوایل قرن دهم هجری قمری با توپهای پرتغالی اشغال می‌شود (همان). این اشغال توسط نیروهای پرتغالی حدود یکصد سال به طول می‌انجامد و سرانجام در سال ۱۶۰۲ میلادی و ۱۰۱۰ هجری، با اخراج آن‌ها از خلیج فارس توسط شاه عباس صفوی پس از گذشت بیش از نه قرن بار دیگر، بحرین ضمیمه قلمرو ایران می‌شود (سیف افجه‌ای، ۱۳۷۶: ۱۳۶). بدین ترتیب ایرانی بودن بحرین تا سال ۱۷۸۳ میلادی یعنی نزدیک به دو قرن ادامه می‌یابد؛ اما بعد از گذشت دو قرن دیگر بار غصب و اشغال می‌شود. بدین ترتیب که در سال ۱۷۸۳ قبیله یا خانواده آل خلیفه، با بهره‌گیری از

گرفتاری‌های دولت ایران- در زمان حکومت کریم خان زند در فارس- به این جزیره مهاجرت کرده و بر آن مسلط شدند و در سده نوزدهم با بریتانیا پیمانهایی بستند و تحت الحمایه آن شدند؛ با این حال، در دورانی که همزمان با دو دولت قاجار و پهلوی است، ایران همچنان خود را مالک بر جزیره بحرین می‌داند و آن را به عنوان استان چهاردهم خود می‌شناسد، اما سرانجام این جزیره در سال ۱۹۷۱ میلادی، پس از میانجی‌گری سازمان ملل و همزمان با اعلام استقلال از تحت الحمایگی انگلیس از کشور ایران جدا می‌شود. البته جدائی نه بر پایه جنگ و خونریزی و نه در سایه همه‌پرسی، بلکه به آرامی و با یک نظرخواهی کوتاه و کم‌دامنه زیر نظر نماینده دبیر کل سازمان ملل- گیچاردی- (حمیدی، ۱۳۹۰).

اما نخستین سرکشی و قیام عمومی مردم بحرین علیه خانواده مهاجر آل خلیفه در مارس ۱۸۹۵ بر ضد شیخ عیسی بن علی رخ داد و نخستین اعتصابات عمومی در ۱۹۳۸ که منجر به اخراج بلکریو (۱) از بحرین شد سیف افجه‌ای، ۱۳۷۶: ۱۴۰ و ۱۳۹؛ و نخستین جنبش استقلال طلبانه همه جانبه آنان از انگلستان نیز در فوریه ۱۹۵۱، به هنگام دیدار سفیر بریتانیا از بحرین به وقوع پیوست. در این جنبش انجمن‌های اجتماعی بحرین اعلام کردند که از فعالیت‌ها و نهضت مردم ایران در برچیده شدن بساط شرکت نفت انگلیسی حمایت می‌کنند و گسیل داشتن نیروهای انگلیسی به منطقه را محکوم کردند. در این راستا یک راهپیمایی مهم نیز صورت گرفت که با دخالت افراد پلیس شکل خشن و شورشی به خود گرفت. در ماه مارس همین سال اعتصابات عمومی در سازمان‌های وابسته به شرکت نفت بحرین آغاز شد. اعتصاب کنندگان علاوه بر افزایش دستمزد و بهبود وضع زندگی، خواهان بازنگری در "پیمان ۱۹۴۰" که آن را در تضاد با منافع ملی بحرین می‌دانستند بودند (بحرانی، ۱۳۷۸: ۸۳). انگلستان که می‌دانست ستد کنترلش بر بحرین برابر با از دست رفتن سلطه‌اش بر سراسر خلیج فارس خواهد بود، تصمیم گرفت جنبش‌های مردم بحرین را سکوب کند. در این راه بود که عوامل انگلستان برخوردهای شیعه و سنتی را در بحرین تشویق کردند. این برخوردها در ۱۹۵۳ تا اندازه‌ای جدی بود که بیم تبدیل شدن مبارزات آزادی‌خواهی بحرین به نبردهای مذهبی و جنگ داخلی می‌رفت. ولی رهبران هر دو شاخه‌ی شیعه و سنتی عاقلانه متوجه خطرات این وضع شدند و کنفرانسی برای رسیدگی به این مسئله در روستای سنابس - در شمال جزیره بحرین- تشکیل دادند و کمیته‌ای به نام "لجنة الوحدة الوطنية" (کمیته وحدت ملی) به وجود آوردند. این کمیته شعار «نه شیعه نه سنتی از این پس» را عنوان کرد و توانست به مسئله‌ای برخوردهای مذهبی در بحرین پایان دهد (سیف افجه‌ای، ۱۳۷۶: ۱۴۰) و همچنان تا زمان استقلال بحرین از تحت الحمایگی انگلستان، جنبش‌های مردمی این کشور به همین صورت ادامه داشت.

اما پس از این استقلال در سال ۱۹۷۱ میلادی، چالش اصلی خانواده حاکم- آل خلیفه- مبنی بر کسب مشروعيت سیاسی و تحکیم پایه‌های قدرت شروع شد؛ از این رو این خاندان تلاش کرد با تدوین قانون اساسی و برگزاری انتخابات پارلمانی، با انگیزه قانونی ساختن حاکمیت خود و مشارکت نسبی مردم، زمینه این مشروعيت را فراهم آورد؛ اما دیری نگذشت که با ابراز مخالفت این پارلمان با تصویب "قانون امنیت

دولتی" در سال ۱۹۷۵ میلادی، امیر بحرین آن را منحل ساخت. بر اساس قانون "قانون امنیت دولتی" هرگونه اقدام یا موضع گیری علیه دولت، مخالفت با امنیت داخلی یا خارجی کشور تلقی می‌شد و حکومت اجازه داشت افراد مظنون را به سرعت بازداشت و بدون محاکمه زندانی کند (شوره اولو، بی-۶ تا: ۱۳-۱۴؛ اسدی، ۱۳۹۰). این ماجرا آغاز کشمکش‌های مردم و حکومت بود و برخوردهای طولانی مدت دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی را به دنبال آورد. در این دو دهه، نارضایتی‌های عمومی از حکومت و سیاست‌های تعیض‌آمیز آن، باعث تشدید مخالفت‌ها و برخورهای خشونت‌بار بین نیروهای امنیتی و فعالان سیاسی شد. با بالا گرفتن مطالبات مردمی، شیخ عیسی به ناچار با تشکیل مجلس شورا که نمایندگان آن را خود تعیین می‌کرد، یک گام از شرایط بدون پارلمان فاصله گرفت. سپس با درگذشت شیخ عیسی بن سلمان و به قدرت رسیدن فرزند اوی حمد بن عیسی در سال ۱۹۹۹، خاندان آل خلیفه تلاش‌های جدید را برای افزایش مشروعیت آغاز کرد. شیخ حمد در فوریه ۲۰۰۱، با برگزاری همه‌پرسی در خصوص منشور ملی و تصویب آن، ضمن تغییر نام امیر نشین بحرین به پادشاهی، حیات پارلمانی را از طریق دو مجلس شورا و نیابتی به این کشور بازگرداند. در این منشور، مجلس شورا را هیئت حاکمه و مجلس نیابتی را مردم از طریق انتخابات آزاد انتخاب می‌کنند. اما نکته‌ای که در اصلاحات حمد بن عیسی وجود دارد این است که مجلس نیابتی که از طریق رأی مردم انتخاب می‌شود قدرت اصلی پارلمانی را در دست دارند (اسدی، ۱۳۹۰: ۶۷ و ۷۶). بنابراین اگرچه در پادشاه منصب می‌شوند، قدرت اصلی پارلمانی را در دست دارند (اسدی، ۱۳۹۰: ۷۶ و ۷۷). یکدیگر هستند، اما در واقع اختیارات پادشاه بسیار بالا بوده و قانون دست شاه را برای تولید نظام استبدادی باز گذاشته است و در عمل تمامی قوا زیر نظر مستقیم امیر بحرین قرار دارند و به طور کلی همه امور قائم به ذات و نظر او می‌باشد و حق تعیین و عزل هر مقام مملکتی و حکومتی را دارند (صوفی نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۸۳). از دیگر سیاست‌های مذموم این حکومت تعیض علیه شیعیان کشور می‌باشد. همانطور که روشن است شیعیان در این کشور از اکثریت هفتاد درصدی برخوردارند ولی انواع تعیض‌ها و معروفیت‌ها در حق انان صورت می‌گیرد که این امر شکاف دیرپایی را در این کشور ایجاد و بحرین را به کانون جنبش‌های شیعی تبدیل کرده است (همان: ۸۴)؛ چراکه حکومت بحرین همواره در تلاش بوده که بافت جمعیتی این کشور را با هدف از اکثریت اندختن شیعیان تغییر دهد و سیاست‌های مختلفی را نیز در این راستا اتخاذ کرده است از جمله اینکه به مهاجران اهل سنت از کشورهایی چون پاکستان، بنگلادش، اردن، عربستان سعودی، مصر، فلسطین و ... تابعیت داده است که اکثر آنها هم تخصصی ندارند و به امید گرفتن زمین به بحرین آمده‌اند. حکومت بحرین از این افراد در تشکیلات نظامی و پلیس استفاده می‌کند که خود نشانی از تعیض شدید مذهبی در این کشور است (هاشمی-نسب، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۷). بنابراین همانطور که می‌بینیم، جنبش‌های و اعتراضات مردمی بحرین بعد از استقلال کشورشان از استعمار انگلستان نیز همچنان ادامه داشته است و در بحث قدیمی "مبازه با استبداد داخلی و دموکراسی خواهی" و همچنین بحث جدید "عدالت اسلامی" می‌گنجد. به طوری که درخواست «پرداختن به ارزش‌های اسلامی و عدالت اسلامی در این کشور، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی به اوج خود می‌رسد و خواسته توجه و اهمیت به ارزش‌های دموکراتیک بعد از حرکت مردمی (انتفاضه) سال ۱۹۹۴ میلادی اوج می‌گیرد» (درزی کلایی، ۱۳۹۰). و

اینچنین جنبش‌های سیاسی-اجتماعی مردم بحرین از آغاز ورود و همچنین آغاز حکومت رسمی آل خلیفه بر بحرین پیوسته وجود و ادامه داشته است تا اینکه سرانجام در سال ۲۰۱۰ گرددادی از کشور تونس برخاست، و این بادهایی را که پیوسته در سرزمین بحرین می‌وزیدند، پر سروصدای ساخت (حمیدی، ۱۳۹۰) و مردم بحرین در چهاردهم فوریه ۲۰۱۱ و سه روز بعد از سقوط حسنه مبارک مصری، به خیابان‌ها آمدند و روح تازه‌ای در کالبد جنبش‌های اعتراض‌آمیز و مقاومتی خود دمیدند.

۳) شعر جنبش ۱۴ فوریه بحرین

هر شعر زیبا، انقلابی واقعی و هر انقلاب واقعی شعری زیبا است؛ به همین دلیل به دنبال شروع هر انقلاب رود پر خروش شعر و ادبیات نیز سرازیر و به جریان می‌افتد (سالم، ۲۰۱۱)، و در جای جای عالم، شعر و ادبیات پایداری که در واقع رمز و نمادی از انقلاب مورد نظر به حساب می‌آید شکل می‌گیرد؛ همچنانکه به دنبال آغاز حرکت خیزشی و انقلابی مردم بحرین، در دنیا موج جدیدی از ادبیات پایداری به زبان‌های مختلف عربی، فارسی، انگلیسی و ... متعلق به کشور بحرین شکل گرفت؛ و مقاله حاضر از میان آنها ادبیات پایداری عرب زبان را برگزیده، و از میان شاعران معهده فراوان آن سروده‌های شاعران جوان عراقی زکی یاسری نجفی را به عنوان نمونه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

۴) سید زکی یاسری و جایگاه ادبی وی

زکی ابن السید مهدی ابن السید شهد الیاسری در تاریخ ۱۹/۱۱/۱۹۷۹ میلادی در نجف اشرف و محله "العمارة" متولد شده است. وی در اوخر سال ۱۹۹۶ به دلیل ستم‌های رژیم بعث عراقی به آلمان مهاجرت می‌کند و هم اکنون ساکن شهر کیل در سواحل دریایی بالتیک است. این شاعر شیعی مذهب، مسلط به زبان آلمانی و دارای تابعیت دو کشور عراق و آلمان است. او از جمله شاعران وفادار و توانمند مکتب امام حسین (ع) و همچنین از حامیان انقلاب و ادبیات پایداری بحرین به شمار می‌آید. این شاعر دیوان "نزیف الصمود" خود را در باب پایداری و انقلاب بحرین و حمایت از آن سروده است. از دیگر آثار وی می‌توان به دیوان‌های "ومضات الغربية"، "المنصة الیاسرية"، "الأفراح النبوية"، و "اللطيميات النبوية" اشاره کرد (موقع الشاعر <https://sites.google.com/site/zekialyasery/biografie>).

۵) عناصر و مفاهیم اساسی پایداری در شعر جنبش ۱۴ فوریه بحرین

همانطور که پیش تر ذکر شد، بر اساس متن سخنرانی دکتر فرزان سجودی در باب ساختار مفهومی ادبیات

پایداری، عناصر مفهومی پایه و اساسی این گونه‌ای ادبی عبارتند از: ۱- دعوت به مبارزه، ۲- ترسیم چهره‌ی بیدادگر، ۳- ستایش آزادی و آزادگی، ۴- بازنمایی افق‌های روشن پیروزی، ۵- انکاس مظلومت مردم، و ۶- بزرگداشت شهدای راه آزادی؛ که در زیر به بررسی و تحلیل هر یک در ادبیات پایداری بحیرین می‌پردازم.

۱-۵) دعوت به مبارزه

"مبارزه" یکی از پایه‌های ثابت و عناصر برانگیزende شعر پایداری است و به دنبال آن "دعوت به مبارزه" نیز اولین و اساسی‌ترین اصل پایداری به شمار می‌آید. در واقع ادبیات پایداری با دعوت به مبارزه و تاختن به مظاهر بیداد و ستم و همچنین تمسخر بیدادگر به آفرینش فضایی مقاومتی دست می‌یابد. بنابراین از آنجا که ادبیات پایداری مشوق مقابله با ظلم و ستم و به تبع آن مشوق حضور در صحنه‌های خطر و مبارزه است، سید زکی یاسری نیز، به عنوان شاعر این حوزه، عاقلانه و اما خطر پذیر، مردم آزادی خواه بحرین را به مبارزه عليه رژیم آل خلیفه دعوت می‌کند:

«ای ملت چپاول شده غریب که همچون نوئه پیامبر اکرم حسین(ع) در صحراء به خاک افتاده اید / پیروزی هزینه‌ای جز خون و اشک ریزان قبول نمی‌کند / پس هنگامی که بادهای شرارت به هنگامه مصیت‌ها وزیدن گرفت، همچون کوه‌های سر به فلک کشیده، پایدار و قوی باش»

زکی یاسری در این ایيات، با زبانی سلیس و روان، حقیقت چگونگی دست یافتن به پیروزی را -که مبارزه و گذشتن از خون و جان می‌باشد- بیان کرده است. او مردم صبور و رنج دیده بحرین را چنین مورد خطاب قرار می‌دهد که: هر چیز گرانبهایی هزینه‌ای دارد و هزینه به دست آوردن پیروزی نیز مبارزه و در پی آن فدا کردن جان و خون است. سپس برای ثیت این معنا در ذهن مخاطب از تکیک تشییه استمداد می‌جوید. او ظلم و ستم رژیم حاکم را به وزش بادهای شرور و انسان‌های آزاده و مقابله‌گر با ظلم و ستم را به کوه‌های سر به فلک کشیده تشییه می‌کند؛ به این معنی که: اگر پیروزی را می‌خواهید می‌بایست در مبارزه با ستم‌های رژیم آل خلیفه همچون کوه‌ها قوی و محکم و پایدار باشید.

همچنین در قصیده‌ای دیگر، مردمان سرزمین خود یعنی عراق و حتی کل مردم جهان را به مبارزه علیه رژیم آل خلیفه دعوت می‌کند:

آنَا أَيَا شَعْبَ الْعِ رَاقِ رَعَالَكَ رَبُّ
 الْبَحْرِيِّ نُخْدِ مِنِّي سَلَامًا
 وَخُدْ رُوحِيِّ وَآهَاتِيِّ وَنَفْسِيِّ غَرَامًا
 بِكُ صَرَّ حَامٌ صَرَخَةَ الْمَظْلُومِ حَتَّى
 هَامَتْ قَوَافِيَهُ هَيَامَهُ
 فَحَيَّ إِلَالَهُمْ غَيْرَتِكُمْ عَلَيْنَاهُ
 وَرَأَدَ الْأَمَّهُ وَحَدَّتِكُمْ
 سَيَجِرِيْكُ صَوْتَ مَنْ لِلْحَقِّ قَوَامًا
 وَيُعْطِيْكُ مُرَادَ الْقَلْبِ إِذْ قَدَّدَ
 بَعْضَ دَعَائِيَّاتِ الْيَتَامَى
 سَقَاكُ أَيَا شَعْبَ رَبِّيِّ غَيْثًا مِنْ جَلَالِ
 الْفُرَانِيَّاتِيَّامَى^(۲)
آزاد پیغمبر

(محمودی، ۱۳۹۲: ۱۱۱)

«ای مردم سرزمین عراق خداوند شما را حفظ کند، من بحرین هستم سلام و درود مرا پذیرا باشید / روح و جان و غصه و اشک و شوقم را پذیرا باشید / شما فریاد مظلوم را یاری کردید تا آنجا که قافیه شعرشان شیفتۀ شما شد / خداوند غیرت و حمیت شما را نسبت به ما برانگیخت و وحدت و همبستگی شما را با ما افزایش داد / و بهشت جاویدان را پاداش شما سازد چرا که صدای کسانی را که برای حق برخاستند شنیدید / و آرزوی قلبتان را عطایتان کند زیرا که مقداری از اشک یتیمان را پاک کردید / ای ملت جوانمرد و دلیر دجله و فرات، خداوند شما را با بارانی از جلال و شکوه سیراب گرداند»

همانطور که می‌بینیم شاعر در این ایات به صورت نمادین خود را بحرین معرفی کرده و در قالب این کشور زبان به سخن گشوده و به سرزمین عراق و مردمانش – که مقابله مردم بحرین را در مقابل آل خلیفه حمایت می‌کند – تحيیت و درود می‌فرستد. او از صلح، روح عذاب دیده بحرین، آه، غصه، اشک و شوق بحرین سخن می‌گوید، و به دنبال این شرح حال، دیگر بار مردم عراق را به سبب حمایتشان دعا می‌کند و از خداوند وحدت

روز افزون آنان را درخواست می‌کند و بهشت جاودان پروردگار را برایشان آرزومند است. در واقع همانطور که می‌بنیم شاعر با این سپاسگذاری از حامیان مبارزه و مقابله، به طور غیر مستقیم مردم عراق و همچنین همه مردم جهان را به مبارزه علیه این رژیم دعوت می‌کند.

همچنین در قطعه زیر که برای بیان مقصودش در آن دو بار از "استعاره مکنیه" استفاده کرده است:

اللَّهُ كَلَّا ثُمَّ كَلَّا
بِعَرِثِ الثَّأْرِ لَمْ يَرِضِ
يَعَالَوا يَا بَنِي قَوْمِي يَعَالَوا
لِنَسْعَلَ دَرَبَ ثُورَتَنَا ضَيَّعَاءَ

(همان، ۲۰۱)

«نه به خداوند سوگند که نه، این اوضاع چاره‌ای جز انتقام و خیزش ندارد/ به پا خیزید و بیایید ای فرزندان قوم من تا دروازه انقلابمان را نورانی و روشن سازیم»

شاعر در این ایات با زبانی ساده و روان، مردم را به انتقام و انقلاب و مبارزه در برابر ستم‌های رژیم آل خلیفه فرا می‌خواند؛ سپس برای تجلی بزرگی و عظمت این انتقام و انقلاب و مبارزه و به منظور روشن ساختن اهمیت و ارزش مبارزه با بیدادگر، دیگر بار از استعاره‌ی مکنیه استمداد جسته و با عبارت "درب ثورتنَا"، انقلاب را به ساختمن و یا حتی قلعه‌ای بزرگ تشبیه کرده است که دروازه‌ای دارد و برای نورانی ساختن این دروازه به ملت نهیب می‌زند که: ای مردم و ای قوم من به پاخیزید تا به وسیله مبارزه دروازه انقلاب خود را روشن و نورانی سازیم.

۲-۵) ترسیم چهره‌ی بیدادگر

همانطور که می‌دانیم دعوت به مبارزه در ابتدا به روشنگری و استدلال و دلایل منطقی نیازمند است؛ در همین راستا ادبیات پایداری نیز به منظور تحقق و استجابت دعوت خود، وظیفه مهم و خطیر روشنگری اذهان عمومی را نیز به عهده گرفته و ترسیم چهره‌ی بیدادگر را به عنوان دیگر مضمون اصلی قلمرو خود در نظر گرفته است تا از این طریق ظلم و جور حاکمیت مستبد را به تصویر بکشد و مخاطبان را به استجابت دعوتش قانع سازد. سید زکی یاسری نیز به عنوان شاعر پایداری این وظیفه‌ی مهم را در جای جای اشعارش به خوبی رعایت کرده است. از جمله، قطعه شعری است، که وی آن را بعد از شرکت ولی عهد- سلمان بن حمد- در مراسم فاتحه و خاکسپاری شش بانوی شهید- که به دست رژیم کشته شده‌اند و مرگ آنها را به حادثه رانندگی نسبت می- دهند- می‌سراید:

ولى العَهْدِ لَا أَهْلًا وَ سَهْلًا
أَنْفُتُ لُبْتَيْ وَ تَجَرَّئَ نَحْنَ وَيِ
رَوْلَى العَهْدِ عَهْدُكَ بِالْيَتَامَى
أَجِئْتَ لِتَقْرَآنَ كَيْمَانَ
أُبُوكَ الْحَارِقُ الْقُرْآنَ عَمَدًا
مِنْ سُورَ الْكِتَابِ
قصُوْا آبائُهُمْ بِشَبَاعِ الْعَصَابِ
تَنَالَ الْخَيْرَ مِنْ ثَمَرِ التَّوَابِ؟
تَعْزِيزِيْ حَزِينًا فِي مُصَابِيْ؟
بِمَقْدِيمَكَ الْذِي زَادَ إِكْتَبَرَ
أَنْفُتُ لُبْتَيْ وَ تَجَرَّئَ نَحْنَ وَيِ

(محمودی، ۱۳۹۲: ۶۴)

«ای ولی عهد خوش نیامدی که آمدنت موجب افزایش اندوه من شده/ آیا دختر مرا می‌کشی و آنگاه با چهره‌ای داغدار برای تسلیت گفتن به سویم می‌آیی؟/ ای ولی عهد، عهد تو با یتیمان این است که پدران آنان را در جوانی به قتل برسانی؟/ آیا آمده‌ای که قرآن بخوانی و با شواب آن از خیر و نیکی به مردم شوی؟/ در حالی که پدر تو به عمد قرآن را با تمام سوره‌هایش به آتش می‌کشد».

همانطور که می‌بینیم شاعر در این ایات با مخاطب قرار دادن ولی‌عهد رژیم آل خلیفه سعی در روشن ساختن خصوصیات و اعمال آل خلیفه برای جهانیان دارد. او ولی عهد را به سبب حضورش در مراسم فاتحه و تشیع پیکر، نفرین می‌کند؛ به این صورت که بر سر فعل خوشامدگویی از "لای نفی" استفاده می‌کند. همچنین به قصد تمسخر و استهزاء دستگاه حکومتی از اسلوب استفهمام استفاده کرده و چنین می‌سراید که: آیا دختر مرا می‌کشی و آنگاه برای تشیع پیکر به سویم می‌آیی؟ و در ایات بعد با زبانی ساده و روان پرده از سایر اعمال او همچون قتل و کشتار مردم و سوزاندن قرآن کریم، بر می‌دارد و اینچنین چهره و شخصیت واقعی او را که با شرکت در مراسم تشیع پیکر سعی در پنهان کردنش دارد، به مردم نشان می‌دهد.

او همچنین در قصيدة دیگری تحت عنوان "خلیفيون" که تقریباً قصیده‌ای طولانی نیز به شمار می‌آید به طور وسیع تری به این تصویرگری از چهره آل خلیفه پرداخته و به طور کامل پرده از اعمال و سیاست‌های آنان بر می‌دارد:

خَلِيفِيُونَ مِنْ خَلَفِ الْحُدُودِ أُثُرَ إِلَى الْبَحْرِيْنِ كَيْ يَفْنُوا أَهَالِيْهَا
سَيَاسَتُهُمْ كَمَا التَّارِيْخُ شَاهَدَهَا وَ مَاضِيْهَا
خَلِيفِيُونَ قَدْ هَدَمُوا مَساجِدَنَا وَ مَسَاجِدَهَا
خَلِيفِيُونَ وَنَقَدَ حَرَقُوا فَصَارَ الْجَمَاحِيْنَ احْفَنَا

تَالِهُ تَالِيهَ

خَلِيفِيُونَ قَدْ سَجَنُوا حَرَائِرَنَا وَمَا صَدَّتْ دَوَاهِيهِ مَبَأِكِيهَا

خَلِيفِيُونَ جُذُورَ وَنَ بِالْتَجْنِيسِ قَدْ قَلَمُوا الْحُ كَيْ ثُبَنَ مَبَأِنِيهَا

(همان، ۱۴۱)

«آل خلیفه از دورترین مرزها به بحرین آمدند تا اهالی آن را نابود کنند / سیاست آن‌ها همانگونه که تاریخ شاهد آن است شکنجه و عذاب گذشته و اکنون بحرین است / مساجد ما را ویران کردند و خانه‌های خدا از آنچه در آن‌ها اتفاق می‌افتد شکایت می‌کنند / آن‌ها قرآن‌های ما را به آتش کشیده‌اند، تا آنجا که شعله آتش تلاوت کننده قرآن شد / آن‌ها زنان با کرامت ما را زندانی کردند و اشک و گریه آنان، اینان را از شکنجه و عذاب باز نداشت / آن‌ها با تابعیت دادن به بیگانگان، ریشه‌های عشق و دوستی را کنندند تا در پی ساختن بنایی نو برآیند».

شاعر در این ایات به پیشینه تاریخی و چگونگی ورود و مهاجرت آل خلیفه از عربستان به جزیره بحرین اشاره می‌کند و چنین می‌سراید که: آل خلیفه شما از مناطق دوردست به بحرین آمده‌اند. سپس در ایات بعدی فهرست وار به ذکر اعمال و اوصاف این رژیم مهاجر می‌پردازد:

۱- تخریب مساجد: تخریب مساجد و حسینه‌ها یکی از جنایات رژیم آل خلیفه است که با شروع تظاهرات مسالمت‌آمیز ۱۴ فوریه، توسط ماموران امنیتی در سرکوب مردم مظلوم بحرین صورت می‌گیرد؛ و شاعر در این ایات، قصد دارد با بیان کردن این عمل قبیح رژیم، سیاست‌های غیر اسلامی حکومت به ظاهر مسلمان آل خلیفه را به سخره بگیرد. در واقع، به گفته "یاسر الصایغ" -عضو جنبش صلح و عدالت بحرین- تخریب مساجد اهل سنت و شیعیان بحرین، توسط نیروهای سعودی و با هماهنگی رژیم حاکم بحرین، به منظور تفرقه- افکنی در بین آنها و ایجاد اختلاف طائفه‌ای است (اسلام تایمز، ۱۳۹۰).

۲- سوزاندن قرآن کریم: همچنین از دیگر جنایات رژیم آل خلیفه که شاعر در این ایات به آن‌ها اشاره کرده است سوزاندن قرآن کریم است. آل خلیفه برای رسیدن به مقاصد خود، علاوه بر تخریب اماکن مذهبی به قرآن سوزی نیز روی آورده است؛ که این خود برای غیر اسلامی بودن دولت و حاکمیتش دلیلی محکم و روشن می‌باشد.

۳- زندانی کردن آزادگان: بازداشت و زندانی کردن آزادی‌خواهان بحرینی که شاعر در این ایات به آن اشاره کرده است، دارای پیشینه تاریخی طولانی است و درواقع از ابتدای شروع تظاهرات و جنبش‌های مسالمت‌آمیز

مردمی، آغاز شده است. از جمله‌ای این تظاهرات - که سابقه‌ای ۱۵۰ ساله دارند - می‌توان به جنبش‌های سیاسی ۹۵-۱۹۹۴ اشاره کرد که با درخواست محترمانه یک کمیته‌ی ۱۶ نفری از نخبگان بحرین، برای بازگشت به دوران دموکراسی پارلمانی آغاز شد. این جنبش‌ها که خود زندانیان بی‌شماری به جای گذاشت بیانیه‌های مختلفی شامل درخواست‌های معتبرضان صادر می‌کرد که یکی از آن‌ها آزادی زندانیان سیاسی قبل از سال ۱۹۹۴ بود (مجتبه‌زاده، ۱۳۷۵؛ به نقل از سیف‌افجه‌ای، ۱۳۷۶: ۱۴۴).

۴- اعطای تابعیت به بیگانگان: یکی دیگر از سیاست‌های رژیم آل خلیفه که در این ایات به آن اشاره شده است، اعطای تابعیت بحرینی به افراد غیر بحرینی می‌باشد. این رژیم به منظور کاهش قدرت و سلب اکثریتِ جمعیتی از شیعیان بحرینی از همان سال‌های اولیه استقلال و خصوصاً با شروع اعتراضات مردمی، با اختصاص امتیاز‌های ویژه اقدام به اعطای تابعیت به بیگانگان عربستانی، قطری، اماراتی و ... سنی مذهب نموده است؛ و این در حالی است که خیلی از شهروندان واقعی و شیعی مذهب بحرینی توسط همین رژیم از حق تابعیت کشور خود محروم گشته‌اند.

چنان که دیده می‌شود شاعر ایات بالا را تقریباً بدون استفاده از اسالیب بیانی و بدیعی سروده است و واقع امر را با زبانی ساده و موسیقی‌ای روان بیان کرده است؛ و در واقع تنها صنعتی که در این ایات مشاهده می‌شود تکرار واژه‌ی خلیفیون است. شاعر با استفاده از این تکرار در پی آن است تا این رژیم به ظاهر اسلامی را رسوا کرده و اوح ستم‌ها و اعمال غیر اسلامی آن را به تصویر بکشد.

۳-۵) ستایش آزادی و آزادگی

آزادی، آرمان آزادی خواهان است؛ از این رو ستایش و مدح آن فضای شعر پایداری را پر کرده است. آزادی در ادبیات پایداری به هر چیز ملکوتی و آسمانی تشییه می‌شود. آزادی می‌تواند فرشته، پیامبر یا حتی نسیم و سبزه و درخت و پروانه باشد؛ و دلیل آن این است که شاعر پایداری همواره سعی دارد آن را به بهترین و زیباترین شکل به تصویر بکشد. اما سید زکی یاسری، آزادی را ساده‌تر معرفی کرده و تشییه سختی برای آن به کار نبرده است. او آزادی را عزّت و مجده و بزرگی معرفی کرده است زیرا آنجا که آزادگی باشد ظلم و ستم نیز در آستان مردم، به زانو درمی‌آید:

هَاهُنَا / صَنَعَ الْإِنْسَانُ مَجَداً / لَا يُدَانِي / هَاهُنَا / قَدْ رَكَعَ الطُّغَيَانُ / فِي أَعْتَابِنَا
(همان، ۱۱۶)

« اینجا / انسان، بزرگی و مجده را خلق کرده است / که بی‌مانند و بی‌همتاست / اینجا / ستمگری و جفا به زانو درآمده است / در درگاه ما »

او در ایات بعد از این نیز، آزادگی و فداکاری و همچنین پیروزی حاصل از آن‌ها را شرح می‌دهد و به مدح و ستایششان می‌پردازد:

تَحْنُ أَيَّضُنَا الْفِلَادَاءَ / بَعْدَ أَنْ كَانَ مُقِيمًا .. فِي سُبَّاتٍ / تَحْنُ أَحَيَّنَا الْحَيَاةَ / وَبَعْنَا النَّصَرَ رُوحًا وَ
شَعَاعًا وَ دُعَاءً وَ صَلَاءً / تَحْنُ أَوْقَدَنَا مَصَابِيحَ الْوَغَى / بِسَلَامٍ / وَ صُمُودٍ / وَ ثُباتٍ / هَاهُنَا / قَدْ أَشْرَقَتْ شَمْسُ
عُلَانَا / فَوَقَ أَفْقَ التَّضْحِيَاتِ (همان، ۱۱۶)

« ما فداکارانه بیدار شدیم / بعد از آنکه در ننگ و رسوایی مقیم بودیم / ما زندگی را زندگی بخشدیم / و پیروزی را به
مانند روح و تابش نور و دعا و نماز برانگیختیم / ما چراغ‌های پیکار را روشن ساختیم / با سلام و صلح و پایداری /
و ایستادگی / اینجا / خورشید بلندمرتبگی ما طلوع کرده است / در افق فداکاری‌ها »

شاعر در این ایات، پیروزی در راه رسیدن به آزادی و آزادگی را روح، شعاع نور، دعا و نماز و در کل، عبادت خداوند معرفی می‌کند. او برای نشان دادن ارزش آزادی و آزادگی خود را با مردم بحرین پیوند زده و در قالب ضمیر متکلم جمع (ما)، شروع به بیان رشادت‌ها و فداکاری‌های مردم انقلابی بحرین در این راه می‌کند. او با یکسان‌سازی آزادی و آزادگی با بزرگی و بلند مرتبگی، آن را به آفتاب تابان تشییه می‌کند و آغاز همت مردم را برای رسیدن به آن به طلوع این آفتاب و چنین می‌سراید که: « قَدْ أَشْرَقَتْ شَمْسُ عُلَانَا » خورشید بلند مرتبگی ما طلوع کرده است؛ یعنی اینکه ما راه رسیدن به آزادی را که نقطه آغازین مجد و بزرگی است آغاز کرده‌ایم و این آغاز طلوع ماست و اینجین تا بایان قصیده با مدح و ستایش آزادی خواهان به دنبال ستایش آزادی و آزادگی است.

صنعت برجسته‌ای که در این ایات مشاهده می‌شود، تکرار واژه‌ای "هَاهُنَا"، "نَحْنُ" و "ضمیر متکلم جمع" می‌باشد که شاعر با تکرار آن‌ها به دنبال فخر و مبارحت به کشور آزادی خواه بحرین و مردم انقلابی آن است.

۴-۵) بازنمایی افق‌های روشن پیروزی

یکی دیگر از ویژگی‌های ادبیات پایداری این است که به منظور تشویق مبارزان برای ادامه راه پیروزی، به تصویرپردازی و بازنمایی افق‌های روشن پیروزی می‌نشیند؛ چراکه این گونه ادبی همواره سعی دارد تا امید به آینده‌ای پیروز را در وجود مردم مظلوم و رنج کشیده زنده نگاه دارد. در این راستا سید زکی یاسری نیز همچون دیگر شاعران ادبیات پایداری با به تصویر کشی عاقبت دیکتاتورهایی چون مُعمر قذافی در لیبی، حسنه مبارک در مصر، علی عبد الله صالح در یمن و زین العابدین بن علی در تونس، شکست نهایی ظالم و دیکتاتور را، سنت قطعی خداوند بیان می‌کند؛ و بدین ترتیب شکست و پایان یافتن حکومت آل خلیفه و به حکومت رسیدن شیران را - که استعاره از نماینده‌گان حکومتی صالح و نیکو هستند - در آینده امری قطعی و یقینی عنوان می‌کند:

هَذَا مُعَمَّدٌ فِي بِضَعْ مِائَةٍ
 رُّقَدَ سَةٌ طَّافَةٌ
 مِنْ قَبْلِ سَقَطِ الْأَنْجَى
 ثَالِثُهُ مِنْ خِبَرِ الْيَمَنِ
 وَأَخْنُونُ وَالشَّرَانِسَةِ الْذِي
 هِيَ سُنَّةُ الْأَنْجَى لَمَّا يَعْتَرِيهَا الشَّاهِ
 عِنْدِي يَقِيَّدُ الْبَحْرَيْنِ فِي نَفَسِ
 سَيَّدُ الْمُسْكُنِ زُولُ حُكْمٍ مُخْلِفَةٍ
 وَسَتْحُكُمُ الْأَسَادُ بَلَادِي وَأَنْطَهُ
 (همان، ۱۱۵)

«این عمر قدafi است که فقط در چند روز سقوط کرد/ و قبل از او فریاد اعتراض برخاست و آنکه در مصر بود ساقط شد/ و سومین آن‌ها دیوانه یمن است که به طرف ریاض کشیده شد/ و برادر تونسی که حروف را به نقطه‌ها تبدیل کرد/ این سنت خداوند است که هرگز شک و تردید آن را نمی‌پوشاند/ من یقین دارم که بحرین نیز به همین منوال است/ حکومت آل خلیفه در آن از بین خواهد رفت و دوران خشکسالی و فقر از میان می‌رود/ و شیران در سرزمینم به حکومت خواهند رسید و گریه‌ها طرد می‌شوند.»

همچنانکه می‌بینیم شاعر در این ایات نیز - با اینکه خود زاده‌ی کشور عراق است و تابعیت عراقی دارد - با استفاده از واژه‌ی "بلدی" در بیت آخر، در هدف و مقصد، خود را با مردم بحرین همگام و همراه ساخته است.

وی همچنین در ایات زیر، برای نشان دادن آینده‌ای پیروز، خطاب به حمد بن عیسیٰ آل خلیفه، از اسلوب تحقیر آمیز استفاده می‌کند:

يَكْفِينِي فَخَرَّأً أَنْ رَبِّي نَاصِريٌّ فِي حِينٍ شَيْطَانٌ رَجِيمٌ

يَنْصُرُكَ

وَ اللَّهُ قَدَّمَ
أَبْنَا وَ
كَرَمًا إِلَى صَدِرِ الْعَالَمَةِ
بِعَدْلٍ هِسْبَنْخَرِ رُكَّ

(همان، ۹۵)

« همین که خداوند تبارک و تعالی یاور من است، و شیطان رجیم یار توست مرا کفایت می‌کند / و خداوند با کرم و بخش خود ما را به سوی بلندمرتبگی پیش برده است و با عدلش تو را به عقب می‌راند. »

همچنانکه که ذکر کردیم شاعر در این ایيات به تحیر پادشاه و رژیم پادشاهی آل خلیفه می‌پردازد و از طریق مقایسه حامیان و یاورانشان در ضمن افشاری بی‌دینی دستگاه حکومتی، به شیوه قرآن کریم با استفاده از فعل ماضی، آینده مقدار شده از جانب خداوند (که بزرگی و مجد از آن انسان‌های با ایمان است) را به تصویر می‌کشد. سپس با استفاده از فعل مضارع مستقبل نابودی رژیم مستبد آل خلیفه را در آینده به تصویر می‌کشد.

۵-۵) انعکاس مظلومت مردم

بیان و بازگو کردن مظلومیت، و رنج و مصیت‌های مردم ستم دیده تحت استکبار، از دیگر مسائل مهم و سازنده شعر و ادبیات پایداری به حساب می‌آید. شاعر یا نویسنده پایداری بر خود واجب می‌داند که به منظور روشنگری اذهان عمومی و یا حتی درد دلی صادقانه، مظلومیت مردم تحت سلطه را به تصویر بکشد و حداقل به این طریق مرهم اندکی باشد بر غصه‌های ایشان. در این راستا شاعر جوان عراقی سید زکی یاسری نیز که از رنج‌ها و مصیت‌های ملت مظلوم بحرین به تنگ آمده است به جامعه بشری نهیب می‌زند که: ای جهان، فریاد انقلابیان را در سرزمین مادری اشان بشنوید و آنگاه با استفاده از ضمیر متکلم مع الغیر خود را شریک غم و اندوه و رنج بحرینیان می‌کند و اینچنین مظلومیت و اندوه آنان را به تصویر می‌کشد:

أَيُّهَا الْعَالَمُ إِسْمَع .. صَرَخَةُ الْحُرُوكَارِ فِي أَرْضِ الْوَطَنِ

وَتَمَعَنَ فِي شَرَارَاتِ الْأَسَى تَلُّو الشَّجَنَ

وَتَبَرَّحَ فِي حُرُوفِ الْحُزْنِ مَا يَنِينَ عِبَارَاتِ الْمَحْنَ

أَوَ هَلْ تَدْرِي بِمَنْ يَقْتُلُنَا لَيْلَ نَهَارَ ؟؟

أَوَ هَلْ تَدْرِي بِمَنْ يَسْجُنُنُ أَطْفَالًا صِعَارَ ؟؟

أوَ هَلْ تَدْرِي بِمَا فِي سِجِنٍ كُلَّ الْكِبَارِ؟ (همان، ۱۱۱)

«ای جهان فریاد انقلابی را در خاک سرزمینش بشنو / در شراره‌های غم و اندوه آنان دقت کن / در حروف حزن زده عبارات اندوهناکشان غوطه‌ور شو / آیا کسی را که شبانه روز ما را به قتل می‌رساند می‌شناسی؟ / آیا می‌دانی چه کسی یست که کودکان ما را زندانی می‌کند / و آیا کسی را که همه بزرگان در زندانش هستند می‌شناسی؟»

شاعر در این ایيات با استفاده از اسلوب استفهام، هنرمندانه در پی برانگیختن احساسات و عاطفه‌ی مخاطب خود است؛ او با پرسش‌های مکرر خود- به منظور جلب توجه اذهان جهانی- به سمت سیاست‌های مورد اجرای خاندان آل خلیفه اشاره می‌کند؛ سیاست‌هایی همچون کشتار پیوسته‌ی مردم بی‌گناه و زندانی کردن کودکان و آزادی خواهان بحرین. همچنین برای رسیدن به این مقصود و برای نشان دادن مظلومیت مردم بحرین، واژگان حزن انگیز شعر را چنان با دقت و امعان نظر برگزیده است که موسیقی‌ای اندوهناک نیز به مخاطب القاء می‌کند؛ واژگانی همچون: صرخه الثوار، شرارات الأسى، الشجن، حروف الحزن، عبارات المحن، أطفالاً صغار و

۵-۶) بزرگداشت شهدای راه آزادی

همانگونه که در متون دینی نیز ذکر شده است، شهادت مرگی است متعالی که انسان، آزادانه آن را انتخاب می‌کند و به سویش می‌رود و ارزش و اهمیت شهید و شهادت نیز از همین حق انتخاب سرچشم‌هایی گیرد و در واقع به همین دلیل است که مبارزان و کشته شدگان راه آزادی در ادبیات پایداری، به نماد عظمت و افتخار تبدیل شده و الگوی فداکاری به حساب می‌آیند. در واقع ادبیات پایداری به منظور نشان دادن ارزش فداکاری و از خودگذشتگی این دلیرمردان یکی از تکالیف و وظایف اصلی خود را بزرگداشت و ستایش آنان دانسته است؛ به طوری که بخش اعظم گفته‌ها و سروده را به سخن گفتن درباره‌ی آنها اختصاص داده است، به این منظور که هم سپاس و ستایشی باشد از رفتگان فداکار، و هم الگو و نمادی برای بازماندگان آزادی خواه و این همان کاری است که شاعر هنرمند سید زکی یاسری در دیوان ارزشمند خود انجام داده است. از جمله موارد آن می‌توان به قصیده‌ای اشاره کرد که در بزرگداشت شهید "حسین البقالی" سروده است. حسین البقالی مجاهد ۱۹ ساله بحرینی از ساکنان شهر "جدهفص" که در روز ۱۷ فوریه ۲۰۱۲ از سوی نیروهای آل خلیفه به شدت چار سوتگی می‌شود، و به علت شدت جراحات به شهادت می‌رسد. این شهید بحرینی که در حال ریختن بنزین بر روی تایرها برای سوزاندن شان بوده از سوی مزدوران آل خلیفه مورد حمله قرار گرفته و لباس‌های آغشته به بنزین وی آتش می‌گیرد و در حالی به شهادت می‌رسد که می‌باشد به سرعت به بخش سوتگی بیمارستان سلمانیه انتقال پیدا می‌کرد، اما به دلیل اینکه که حکومت،

بیمارستان سلمانیه را به پادگان نظامی تبدیل کرده است با ممانعت نیروهای آل خلیفه اینکار صورت نمی‌پذیرد، و او به مدت سه روز در منزل مانده و سپس به شهادت می‌رسد (اسلام تایمز، ۲۰۱۲).

أَهْلَ تَكْفِي الدُّمُوعُ لَنَا عَرَائِلًا؟ لِمَنْ مِنْ أَجْلِنَا ضَحَى دِمَاعًا

أَلَا وَاللهِ كَلَّا ثُمَّ كَلَّا..... بَعْيَرِ الشَّارِ لَنْ يَرْضَى حَزَاءً

خُسْيَنُ أَحْرَقُوهُ بِنَارِ حَقَادٍ وَيَوْمُ تَحْرُقُ الْبَاغُونَ جَاءَ

تَعَالَوْا يَا بَنَى قَوْمِي تَعَالَوْا لِتَشْعَلَ دَرَبَ ثُورَتَهَا ضَيَاءً

مِنَ الدَّمِ الَّذِي قَدْ سَالَ حَتَّى يَصِيرُ لِضَامِنِ النَّصْرِ إِرَاءَ

(همان، ۱۵۵)

«آیا اشک ریختن برای عزاداری کسی که به خاطر ما خونش را فدا کرده است کفايت می‌کند؟ هرگز به خداوند سوگند که هرگز ذیرا مجازات و کیفر جز با انتقام راضی نمی‌شود / حسین را به آتش کینه سوزانند و روز سوختن طاغوتیان نیز فرامی‌رسد / به پاخیزید و بیایید ای فرزندان قوم من تا دروازه انقلابیان را نورانی و روشن سازیم / از خونی که جاری شد تا تشنگان راه پیروزی سیراب شوند .»

شاعر در این ایات، ماجراهای شهادت "حسین بقالی" را که در عملیات "حداد السماء" زخمی شده و بعد چند روز به شهادت رسیده است را با اسلوبی گزارش‌گونه، ساده و روان و بدون پیچیدگی و غموض بیان می‌کند و چنین می‌سراید که: «تو در إثناء عمليات حداد السماء به زخم آتش دچار شدی». سپس با استفاده از استفهام انکاری چنین با مخاطب قصیده به گفتگو می‌نشیند: آیا اشک ریختن و عزاداری در مرگ این شهید بزرگوار کافی است؟ (خیر هرگز کافی نخواهد بود چراکه) منزلت و ارزش این شهید بزرگوار به قدری است که کیفر قتل او، به گریه و عزاداری کفايت نمی‌کند بلکه ای مردم شما باید برای راضی کردن او به پاخیزید و انتقام این بزرگوار را از رژیم آل خلیفه بستانید.

یا برای نمونه‌ای دیگر می‌توان به ایات زیر اشاره کرد:

يَا شَهِيدًا صَاحِلَيْكَ وَطَنَ فَأَحَالَ الْأَرْضَ لَدَرَّا وَشَجَنَ

يَأْفِعًا رُضِّ لَهُ صَدَرًا كَمَا رُضِّ صَدَرُ السِّبْطِ فِي طَفَّ الْمَحَنِ

هَا هِيَ الْبَحْرِينَ قَدْ آنَ بِهَا مُوعِدُّ أَنْ يَدْفَعَ الطَّاغِي الشَّمَنِ

فَاتِلُ الْأَطْفَالِ مَا عَادَ لَهُ فِي بَلَادِي بَعْدَ ذَا الْيَوْمِ وَسَنَنَ

(همان، ۱۷۶)

«ای شهیدی که فریاد زدی: گوش به فرمان تو هستم وطن، زمین را از روشنایی و اندوه پر کردی / مرد جوانی که سینه اش کبود و له شد، همچون سینه امام حسین (ع) که در سرزمین مصیبت‌ها و اندوه‌ها با اسب‌ها کوبیده و کبود شد / همان این بحرین است که در آن زمان آن فرا رسیده است که طاغوت هزینه اعمالش را پرداخت کند / زیرا که در سرزمین من برای قاتل کودکان زین پس بازگشتی نیست.»

شاعر در این ایيات با استفاده از کلمه‌ی نکره شهید، سخن‌ش را با دلالتی عام عنوان می‌کند و اینچنان کلام را از انحصار به شهیدی خاص خارج می‌سازد و با این کار تمامی فدایکاران و از جان گذشتگان راه آزادی را مورد ستایش و مدح قرار می‌دهد. درواقع او با این شیوه قصد دارد ارزش واقعی و عمومی شهید را بیان کرده و به بزرگداشت حقیقی اش پردازد و اینگونه حق مطلب را بیان می‌کند که: هر فدایکاری که در راه آزادی از جان خود دست بشوید و وطن را لیک بگوید، زمین را بانور پیروزی، و اندوه از دست رفتن خود پر می‌کند؛ جوانان شهیدی که سینه‌هایشان همچون سینه‌ی امام حسین (ع) زخم خورده مصیبت‌ها است. سپس برای پایان دادن به این فضای حزن‌انگیز از دست دادن ایشارگران، سخن از شهیدان را پایان داده و به اصل قضیه‌ی بحرین می‌پردازد که: «این بحرین است که زمان نابودی طغیانگر ظالم‌ش رسیده است، از این پس، برای قاتل کودکان به سرزمین من بازگشتی نیست.»

۶- نتیجه‌گیری

سید زکی یاسری نجفی، شاعر جوان عراقی^۱ تبار، نه تنها با قلم زیبا و متعهد خود به مسائل میهن‌ش عراق و همچنین عشق و محبت اهل بیت پیامبر پرداخته است، بلکه پایداری مردم مظلوم بحرین را نیز در ادامه راه جنبش و انقلاب^۲ فوریه، در دیوان "نزیف الصمود" با توانمندی فوق العاده^۳ ای به تصویر کشیده است.

شاعر با توجه به طولانی یا کوتاه بودن قصاید، در اکثر اشعارش تمام مبانی مهم «شعر پایداری» را- اعم از: ۱- دعوت به مبارزه، ۲- ترسیم چهره^۴ بیدادگر، ۳- ستایش آزادی و آزادگی، ۴- بازنمایی افق^۵‌های روشن پیروزی، ۵- انعکاس مظلومت مردم، و ۶- بزرگداشت شهدای راه آزادی- با قلمی زیبا و تهییج^۶ آور به رشتة نظم در آورده است و گاه در یک قصیده فقط به یک یا چند مفهوم پرداخته است.

شاعر در ترسیم چهره بیدادگر، با تصاویر هنری و حزن^۷انگیز خود به شرح حال وضعیت، و اهداف و

اعمال قبیح خاندان آل خلیفه، آل سعود و همچنین دولت آمریکا می‌پردازد.

وی با استفاده از ضمیر متکلم مع الغیر، خود و مردم بحرین را، مردم آزاده و انقلابی معرفی می‌کند. و با سروden قصاید فخری نسبت به ثبات و پایداری این انقلاب، مجازاً به ستایش آزادی و آزادگی می‌پردازد.

همچنین با بیان سرنوشت دیگر مستبدان جهان عرب از جمله عمر قذافی و حسنه مبارک، و شیطانی بودن اعمال آل خلیفه، و به پشتونه یاری و امدادهای خداوند متعال، برای ملت انقلابی بحرین، افق‌های روشن پیروزی را به تصویر می‌کشد.

او در هر یک از سه مفهوم اصلی دیگر، یعنی "دعوت به مبارزه"، "انعکاس مظلومیت مردم"، و "بزرگداشت شهدای راه آزادی"، به زیبایی و با بیان ادبیانه و تهییج آور، همچنان به روشنگری پرداخته و ملت بحرین را برای ادامه راه انقلاب مصمم آتر می‌سازد.

با توجه به شرایط انقلابی و بحران‌زده بحرین، زبان شاعر گزارش‌گونه، ساده و روان بوده و از رمز و نماد و پیچیدگی به دور است؛ در واقع اسالیب بلاغی پر کاربرد در اشعار وی را می‌توان تشییه، استعاره و تکرار به حساب آورد.

یکی دیگر از ویژگی‌های شعری این شاعر، پیوند خوردگی و احساس نزدیکی او به مردم انقلابی کشور بحرین است؛ به طوریکه پیوسته در جای جای دیوان و اشعارش از ضمیر متکلم جمع و مفرد استفاده می‌کند.

فهرست منابع

- اسدی، علی اکبر. (۱۳۹۰). «تحولات بحرین: ریشه‌ها و بازیگران»، مرکز تحقیقات استراتژیک: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گزارش راهبردی شماره ۳۵۴، صص ۱-۱۶.
- اقبال، عباس. (۱۳۲۸). *مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس*، تهران: مجلس.
- ترابی، ضیاء الدین. (۱۳۹۰). *آشنایی با ادبیات مقاومت جهان*، تهران: نشر پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- درزی کلابی، محمدرضا. (۱۳۹۰) «حرکت‌های انقلابی در بحرین و نظریه محرومیت نسبی تدبیرتگر»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال هجدهم، شماره سوم، صص ۱۲۵-۱۵۲.
- الجیوسی، سلمی الخضراء. (۲۰۰۷). *الإتجاهات والحركات في الشعر العربي الحديث*، بیروت، مرکز دراسات الوحدة العربية، ط ۲.

- حسانی، محمد شراد. (۲۰۰۷). **القاموس الوجيز في العامية العراقية**، بيروت: دار الحمراء.
- حمیدی، محمد محسن. (۱۳۹۰). «نا آرامی در بحرین: درخواست اصلاحات یا انقلاب؟»، **نشریه اقتصاد**، شماره ۲۸۴، صص ۴۴-۵۳.
- سجودی، فرزان. (۱۳۷۹). «ساختار شعر پایداری»، **پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی**، شماره ۱۰، صص ۱۵۸-۱۶۳.
- سیف افجه‌ای، معصومه. (۱۳۷۶). **بحرين**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- شکری، غالی. (۱۹۷۹). **أدب المقاومة**، بيروت: دار الأفاق الجديدة، الطبع الأول.
- صوفی نیارکی، تقی. (۱۳۹۱). **بیداری اسلامی در اندیشه امام(ره) و مقام معظم رهبری**، تهران: انتشارات نهضت نرم افزاری.
- کوچکی نیت، زهرا (۱۳۹۲)، **بررسی ویژگی های زبانی و معنایی شعر طنز در انقلاب های عربی (بررسی موردی مصر و بحرین)**، استاد راهنمای فرامرز میرزاچی، کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا.
- محمودی، فرزانه (۱۳۹۲)، **تحليل محتوى كمبي اشعار جنبش ۱۴ فوريه بحرین**، استاد راهنمای علی باقر طاهری‌نیا، دانشگاه بوعلی سینا، پایان نامه ارشد.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۵). «جنبش‌های سیاسی بحرین و ابعاد منطقه‌ای آن»، **مجله سیاست خارجی**، سال دهم، هاشمی نسب، سید سعید. (۱۳۸۹). «**بحران بحرین**»، **فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، پژوهشگاه بین المللی المصطفی**، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۹-۳۸.
- منابع اینترنتی**
- اسلام تایمز. (۲۰۱۲). «استشهاد حسين محمد البقالى فى جد حفص». ۲۰۱۲/۱/۸
- <http://www.islamtimes.org/vdedjj0fzyt0so6.422y.html>
- ثورة اللواء: إنتفاضة الألفية الممتدة منذ قرنين، إنتفاضة الأمس تكملهااليوم. (بی‌تا). بی‌تا، بی‌جا.
- <http://bahrainonline.org/showthread.php?t=267130>
- الجمري، منصور. (۲۰۱۱). «التاريخ الحقيقي للبحرين».
- http://www.facebook.com/note.php?note_id=191443077573739
- سالم، حلمی. (۲۰۱۱). «الثورات العربية و حضورها في الشعر»، **صحيفة السفير** برس: مؤسسة السفير للإعلام و الطباعة و النشر.
- <http://as-safeerpress.com/news>
- موقع الشاعر الحسيني السيد زكي الياسري النجفي.
- <https://sites.google.com/site/zekialyasery/biografie>
- منبع اینترنتی اشعار: **سایت شعراء البحرين**.
- <http://www.shuarabahrain.net.ms>